



اهریمنان عمامه‌دار نروز مردم ایران را در فاجعه سیل قتل عام کردند

سزای این رژیم، سیل آتش است

سپاه پاسداران دشمن ضدبشر باید در هم کوبیده شود

کیست بجز آخوندها و پاسدارانشان، که صحنه‌های فرو ریختن خانه و کاشانه خلق محبوب خود را ببیند و قلبش از جا کنده نشود؟ کیست بجز آخوندها و پاسدارانشان، که صحنه‌های غرق شدن و ضجه و ماتم مردم بی دفاع خود را ببیند و دل و جانش فرو نریزد؟

فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ

وای بر سنگدلان و سنگین‌دلان...

آنان که محیط زیست خلق اسیر ما را هم مانند زندانیانمان قتل عام کردند.

اهریمنان عمامه‌دار، غارتگران منابع و دارایی‌ها و اموال ملت ایران، دزدان جنگل و کوه و دشت .

بر اینان و پاسداران و اطلاعاتی‌ها و مزدورانشان سیل آتش سزاست. روز بزرگ آتشفشان خشم خلق.

قُلْ اِنْتظِرُوا اِنَّا مُنتظِرُونَ

بگو منتظر باشید، ما هم در انتظاریم

قربانیان فاجعه سیل را باید در ردیف شهیدان آزادی ملت ایران محسوب کرد. بر ایشان سلام و درود.

همچنین سلام و درود بر شیرزان و رادمردانی که از دور و نزدیک، بی نام و نشان به یاری شتافتند. به ویژه آنان که خطر کردند تا دیگران را از خطر برهانند.

براستی در باره بزرگ‌منشی و مناعت مصیبدیدگان زلزله در سرپل ذهاب که اثاثیه ناچیز خود را برای کمک به سیل‌زدگان می‌فرستند چه باید گفت؟

بر پیشانی آدمی عرق شرم می‌نشانند و به تعظیم برمی‌انگیزد.

خوشا شوراهاى مردمی که به مقابله و مقاومت در برابر سیلاب‌ها برخاستند.

و پیامهای مریم که ساعت به ساعت بر دل‌های شکسته و داغدار مرهم می‌گذاشت.

×××××

نخستین سؤال این است که آیا چنین ابعادی از ویرانی و خسارت قابل پیشگیری و اجتناب، بود یا نبود؟ هر وجدان منصفی می‌داند که قابل اجتناب و پیشگیری بود. البته نه با این حکومت و حاکمیت و دولت و مدیریت اهریمنی و ضدبشر.

آخرین سؤال هم اینست که آیا پس از وقوع فاجعه، میشد کاری کرد یا نمیشد؟ باز هم هر وجدان منصفی میدانند که اگر همچنانکه رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت بارها تأکید کرد، امکانات سپاه و ارتش و دولت در اختیار ملت قرار می‌گرفت، همه چیز فرق می‌کرد. مگر این ماشین‌آلات و خودروها و قایق‌ها و نفربرهای آبی‌خاکی و پناهگاههای زیرزمینی و پادگانها و هزار و یک امکان دیگر متعلق به مردم ایران نیست؟

مگر یک قلم، صد میلیارد دلاری که خلیفه ارتجاع تحت عنوان ستاد اجرایی فرمان خمینی ملعون از اموال همین خلق و فرزندانش مصادره کرده است، متعلق به مردم ایران نیست؟

راستی به ارتش و سپاهی که به‌رغم امکانات عظیم و فوق‌العاده‌اش، در این مصیبت بیرون نیاید و در خدمت ملت نباشد چه حاجت است؟ واقعیت این است که سردمداران ولایت به عمد از دادن امکانات به مردم سر باز زدند تا سیل، مردم را به خود مشغول کند و از خطر قیام و سرنگونی بکاهد.

آخوندهای جلاد و شیاد بغایت از فاجعه برای انداختن تقصیر به گردن امریکا و تحریمها سود جستند. وقاحت آخوندی و نمک پاشیدن بر زخم مردم گرفتار در سیل، حد و مرزی نمی شناسد.

خامنه ای گفت هر چند سیل «ظاهر بلا دارد... باطنش ممکن است نعمت و عطای الهی باشد».

آخوند روحانی هم با وقاحت بر روی زخم‌های مردم مصیبت دیده نمک پاشید و «نعمت درمانی» و «نعمت شماری» پیشه کرد و گفت: «واقعا خود باران برای همیشه نعمت خداوند است... اصلا حیات از آب است حالا یک کشوری که بارندگی در آن کم است نعمت دوم است حالا یک کشوری که ۱۰ سال است ۱۱ سال است در خشکسالی نعمت سوم».

به این ترتیب مردم سیلزده، بدهکار حکومتی میشوند که باعث و بانی اینهمه نعمت برای آنها شده است.

باز هم ماورای وقاحت روحانی را گوش کنید:

«سیل جایی جاری نمیشود سیل در مسیل خودش میاید وقتی ما مسیل را غصب میکنیم وقتی رودخانه یا خانه رود را ما خراب می‌کنیم سیل و رود هم در یک روزی خانه ما را خراب می کند»

«با این هشدار که سیل فروردین به ما داد صدای رسای طبیعت بود طبیعت با صدای رسا فریاد زد مردم!! دست از ظلم من

بردارید به من ظلم نکنید که ظلم خواهید شد» (۱۸ فروردین)

xxxxxx

این در حالی است که پس از وقوع فاجعه هم میشد کارهای زیادی انجام داد. می‌شد زندگی و جانهای بسیاری را نجات داد.

البته نه با این حکومت و حاکمیت و دولت و مدیریت اهریمنی و ضدبشر.

حاکمیتی که میتوان آنرا در یک کلام و از جمیع جهات در «قتل عام» خلاصه کرد.

قتل عام فرزندان ایران، قتل عام تاریخ و فرهنگ و هنر ایران، قتل عام اقتصاد و محیط زیست ایران، قتل عام حرث و نسل.

و اینک، قتل عام نوروز در خانه‌ها و کاشانه‌های مردم و تبدیل عید به عزا و ماتم

خلیفه سفاک ارتجاع در آستانه سال جدید آخوندک جلادی را که نشانه مجسم و مترادف قتل عام است، در ریاست قضائیه‌اش

عرضه کرد.

تحفه نحس و منحوس عید و سال نو که بقول منتظری دست‌اندرکار بزرگترین جنایتی است که در این رژیم صورت گرفته است.

همزمان، در آستانه ورود به سال جدید، خلیفه خونریز، سرکرده کشتارگر نیروی قدس سپاه پاسداران را با بالاترین نشانهای حکومتش به تماشا گذاشت تا همه حساب کار خودشان را بکنند. البته با بلاهت برای او آرزوی «شهادت» هم کرد.

ما کاملاً موافقیم که آخوند رئیسی و پاسدار سلیمانی به لاجوردی و صیاد شیرازی ضمیمه شوند. لعنت خدا و خلق خدا بر همه آنان باد.

xxxxxx

در جریان سیل، روضه‌خوانی‌های مکرر خامنه ای در باره پیشرفتهای علمی و فنی در حکومت ولایت فقیه بر باد رفت و آب، تمام

این باد و بلوف‌های آخوندی را با خود برد.

از این پیشتر خلیفه ارتجاع با بی‌حیایی در باره رتبه‌های علمی در سطح جهانی که در حکومت او بدست آمده است، بسیار داد

سخن می‌داد.

یکماه قبل از فاجعه سیل، در اواخر بهمن ماه، در متنی که به آن گام دوم انقلاب می‌گوید از «موتور پیشران کشور در عرصه‌ی علم

و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی که تا اکنون ثمرات بالنده‌ی آن روز به روز فراگیرتر میشود» سخن

گفت و از « هزاران شرکت دانش‌بنیان، هزاران طرح زیرساختی و ضروری برای کشور در حوزه‌های عمران و حمل و نقل و صنعت و نیرو و معدن و سلامت و کشاورزی و آب...». آنگاه مدعی شد که رژیم آخوندی با «هزاران واحد دانشگاهی در سراسر کشور، ده‌ها طرح بزرگ از قبیل چرخه‌ی سوخت هسته‌ای، سلول‌های بنیادی، فناوری نانو، زیست‌فناوری و غیره با رتبه‌های نخستین در کل جهان» ممتاز شده است.

اما جریان سیل دعاوی پویشی را به کنار زد و نشان داد که در حکومت آخوندی خانه‌سازی و شهرسازی و سدسازی و اداره جنگلها و مراتع و محیط زیست و نحوه مقابله با حوادث طبیعی از کمترین فناوری و آمادگی و پایه و مایه علمی برخوردار نیست و غرق در جهل و غارت است. فرستادن موش و میمون به فضا چاره کار نیست. باید پاسدار و آخوند را به هوا فرستاد!

×××××

همه میدانند که روحانی، کنار آمدن با آمریکا و برجام مدفون را کلید حل مشکلات میدانست و حل مسأله آب خوردن مردم و محیط زیست و اشتغال و صنعت را هم به تمام و کمال موکول به آن می‌کرد. او می‌گفت: «ما الآن برای محیط زیست نیاز به یک سرمایه‌گذاری بزرگ داریم برای آب نیاز به سرمایه‌گذاری بزرگ» (۲۳ خرداد ۹۴)

«تحریم ظالمانه، باید از بین برود تا سرمایه بیاید، تا مساله محیط زیست حل بشود، تا اشتغال جوانها حل بشود، تا صنعت جامعه حل بشود، تا آب خوردن مردم حل بشود، تا منابع آبی زیاد بشود، تا بانک‌های ما احیا بشود» (تیر ۱۳۹۴).

خامنه‌ای اما به این دل بسته بود که آمریکا جنگ نمیکند، ما هم مذاکره نمی‌کنیم و بر این پایه میخواست تا پایان دوره رئیس‌جمهور کنونی آمریکا وضعیت را بصورت کجدار و مریز کش بدهد:

- «به‌طور خلاصه در دو کلمه به ملت ایران بگویم: جنگ نخواهد شد و مذاکره خواهیم کرد... جنگ نخواهد شد؛ چرا؟ برای خاطر این که جنگ دو طرف دارد: یک طرف ما هستیم، یک طرف او است؛ ما که خب جنگ را شروع نمی‌کنیم...» (۲۲ مرداد ۹۷).

- «حالا باز بعضی زمزمه شروع کرده‌اند که در حاشیه‌ی اجلاس مجمع عمومی، ممکن است مذاکره انجام بگیرد، این به طور قطع منتفی است؛ یعنی معنی ندارد یک چنین چیزی. آنها که آن ظاهرسازها بودند، آن جوری عمل کردند با ما؛ اینها که آدمهای وقیح مُتَهتِّک پرروی صریح شمشیر از رو بندند؛ با اینها چه مذاکره‌ای؟ اصلاً معنی ندارد. حالا آقای رئیس‌جمهور که هیچ، وزیر خارجه و عناصر وزارت خارجه هم همین‌جور؛ هیچ معنی ندارد با اینها مذاکره کردن» (خامنه‌ای ۷ شهریور ۹۷).

×××××

اکنون پس از لیست‌گذاری تروریستی سپاه پاسداران تعادل برهم خورده و رژیم در لرزه سرنگونی فرو رفته است.

ظریف وزیر خارجه آخوندها از روحانی خواسته است، رژیم مابه‌ازای لیست‌گذاری سپاه پاسداران، نیروهای آمریکا در غرب آسیا (سنتکام) را لیست‌گذاری کند!

این همان ظریف است که به صراحت می‌گفت:

«غربی‌ها از چهار تا تانک و موشک ما نمی‌ترسند... آیا شما فکر کرده‌اید که آمریکا که با یک بمبش می‌تواند تمام سیستم‌های نظامی ما را از کار بیندازد، از سیستم نظامی ما می‌ترسد؟ آیا واقعاً به‌خاطر سیستم نظامی ماست که آمریکا جلو نمی‌آید؟» (ایسنا- ۱۲ آذر ۹۲).

ظریف همچنین گفته بود: «آمریکا اگر بخواهد می‌تواند در عرض ۱۰ دقیقه تمامی تأسیسات هسته‌یی و استراتژیک ایران را نابود کند» (ایسنا- ۱۲ آذر ۹۲).

با اینحال از ژست میان‌تهی و ابرقدرتی دیپلمات شماره ۱ نظام محمدجواد ظریف در باره لیست‌گذاری سنتکام تعجب نکنید. در این رژیم ظریف‌تر از او هم هست!

-یکی از آنها سرکرده پیشین سپاه، پاسدار رضایی دبیر مصلحت نظام است که گفت:

«من به ملت ایران به عنوان یک سرباز قول می‌دهم اگر آمریکایی‌ها بخواهند به ایران چشم بدی داشته باشند و به فکر حمله نظامی باشند، مطمئن باشند، حداقل هفته اول هزار نفر آمریکایی را اسیر می‌گیریم که آن موقع برای آزاد کردن هر کدامشان باید چند میلیارد دلار بدهند...». حالا ببینیم و تعریف کنیم!

-دیگری یکی از سه رأس لاریجانی، که اسمش محمدجواد است. نظریه پرداز پرسابقه نظام که در توجیه اقدامات تروریستی رژیم تحت عنوان «نوع جدیدی از قدرت» می‌نوشت و می‌گفت فتوهای خمینی در باره قتل و گروگانگیری و کشتن سلمان رشدی، فراتر از قدرت کلاسیک نظامی و توانمندی اقتصادی، نوع جدیدی از قدرت عرضه کرده است. این شخص مدتهاست در قضایه‌ی خامنه‌ای تئورسین توجیه شکنجه و سنگسار و دست و پا بردن و در آوردن چشم از حدقه است و رسماً عنوان «رئیس ستاد حقوق بشر» آخوندها را یدک میکشد. او اخیراً رژیم رکورد دار جهانی اعدام را با ظرافت (!) بزرگترین و پیشرفته‌ترین دموکراسی غرب آسیا و جهان توصیف کرد و گفت :

«جمهوری اسلامی بزرگترین و پیشرفته‌ترین دموکراسی غرب آسیا و جهان می‌باشد» (۴ فروردین ۹۸).

xxxxxx

واقعیت این است که لیست گذاری تروریستی سپاه پاسداران توسط وزارتخارجہ آمریکا با ۳۶ سال تأخیر صورت گرفته است. تا آنجا که به حفظ جان اتباع و سربازان و مقرها و مراکز آمریکایی مربوط میشود این کار باید پس از کشته شدن ۲۶۰ تفنگدار در بیروت در سال ۱۳۶۲ (۲۳ اکتبر ۱۹۸۳) انجام میشد. مقاومت ایران در ۴ دهه گذشته، این موضوع را صدها بار بر اساس اظهارات صریح مهره‌های رژیم از قبیل رفیق‌دوست خاطرنشان کرد اما گوش استمالت‌گران بدهکار نبود.

محسن رفیق‌دوست که هنگام ورود خمینی به ایران از محافظان او بود، از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۷ در کابینه میرحسین موسوی در مقام وزیر سپاه پاسداران قرار گرفت. رفیق‌دوست در تیر ۱۳۶۶ به صراحت اذعان کرد که هم‌تی‌ان‌تی و هم‌ایدئولوژی انفجار بیروت از رژیم بود. او گفت :

«در پیروزی انقلاب در لبنان و در خیلی از جاهای دنیا، آمریکا ضرب شست ما را بر پیکر منحوس خودش احساس می‌کند و می‌داند آن مواد منفجره‌ای که با آن ایدئولوژی ترکیب شد و در مقر تفنگدارهای دریایی چهار صد افسر و درجه دار و سرباز را یک مرتبه به جهنم فرستاد، هم‌تی‌ان‌تی آن مال ایران بود و هم ایدئولوژی از ایران رفته بود. این برای آمریکا بسیار محسوس است.....».

حتی در ۱۳ آبان ۱۳۹۵ یعنی ۳۳ سال بعد از آن انفجار مقر تفنگداران آمریکایی در بیروت، جانشین سرکرده سپاه پاسداران بمناسبت سالروز اشغال سفارت آمریکا در تهران، باز هم به آن می‌نازید و می‌گفت :

در سال ۱۳۶۱ برای اولین بار که شعله‌های انقلاب اسلامی در میان جوانان لبنان زبانه کشید در یک حرکت شجاعانه توسط یک جوان مسلمان ۲۶۰ تفنگدار آمریکایی در شرق دریایی مدیترانه در بیروت زیر آورها دفن شدند و همان عامل باعث فرار آمریکا از لبنان شد (تلویزیون رژیم ۱۳ آبان ۱۳۹۵)

انفجارهای زنجیره‌ای بعدی، از جمله در سفارتهای فرانسه و آمریکا در کویت در سال ۱۹۸۳ که نوری مالکی در آن دست داشت، و انفجار در برج خُوبَر در عربستان در سال ۱۹۹۶ علی‌رغم مدارک انکار ناپذیر، کماکان توسط مماشاتگران و پشتیبانان و همدستان رژیم نادیده گرفته می‌شد.

بجای آن تا می‌توانستند بر طلبهای تروریسم علیه مجاهدین می‌کوبیدند. جایزه خمینی در انفجار بیروت کیک و کلت و انجیل بود همراه با تروریست نامیدن مجاهدین برای نخستین بار، که پیش‌شرط رژیم در فضیحت ایران‌گیت بود. جایزه انفجار خُوبَر به خامنه‌ای و خاتمی، لیست گذاری رسمی مجاهدین توسط وزارتخارجہ آمریکا بود.

xxxxxx

لوئیس فری که ریاست اداره تحقیقات فدرال در آمریکا را از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۱ بر عهده داشت، ۱۰ سال بعد در گردهمایی مقاومت ایران در تیر ۱۳۹۰ فاش کرد در حالی که انفجار خوبر توسط سپاه پاسداران طراحی و تأمین مالی و اجرا شده بود و عاملان پاسپورت‌هایشان را هم از سفارت رژیم ایران در دمشق دریافت کرده بودند، وزارتخارجه و شورای امنیت ملی آمریکا بخاطر بهبود روابط با رژیم ایران تصمیم گرفتند پرونده مسکوت بماند. بجای آن در مهر ۱۳۷۶ سازمان مجاهدین خلق ایران در لیست قرار گرفت. یک مقام بلندپایه در وزارتخارجه آمریکا در همان زمان به لس‌آنجلس تایمز گفت: «گنجاندن مجاهدین خلق در لیست به منظور ارسال یک پیام حسن‌نیت به تهران و رئیس‌جمهور جدید و میانه رو محمد خاتمی بوده است».

لوئیس فری گفت :

بعد بمبگذاری در برج خوبر اتفاق افتاد. ۱۹ آمریکایی در آن کشته شدند. ژنرال شلتون و من پس از آن واقعه در جلسات مربوط به این موضوع در اطراف همین شهر حضور داشتیم.

بسیار زود، پس از شروع تحقیقات روشن شد که اگرچه این عملیات توسط حزب الله در عربستان سعودی صورت گرفت اما توسط سپاه پاسداران سازماندهی، طراحی، تأمین مالی و اجرا شد. آنها پاسپورت‌های خود را هم دریافت کرده بودند. آنها از پول نقد استفاده می‌کردند. ژنرال سپاه که مسئول این پروژه بود در سفارت رژیم در دمشق بود و این پاسپورت‌ها را به آنها واگذار کرد.

بنابراین ما تمام این اطلاعات را گرفتیم - یعنی طی سالهای ۱۹۹۶ و بعد ۱۹۹۷- و به دولت آمریکا ارائه دادیم. من در حقیقت آن را در اختیار مشاور امنیت ملی قرار دادم. من در طول ۹ سالی که رئیس اف.بی.آی بودم عکس‌العمل‌های زیادی را در واشینگتن دیده بودم اما عکس‌العمل او جالبترین آنها بود. وقتی به او گفتم که سپاه پاسداران و رژیم ایران ۱۹ آمریکایی را در انفجار خوبر به قتل رساندند، پاسخ او این بود که خب دیگر چه کسی از این اطلاعات باخبر است؟ و گفتم چند دوجین از مأموران آژانس اف.بی.آی و وزیر دادگستری آمریکا. من گفتم فکر می‌کنم ما باید به دفتر دادستان آمریکا برویم و کیفرخواستی را تهیه کنیم. این در کادر سیاست آمریکا نبود و من به آن تصمیم احترام گذاشتم. در آن ایام سیاست این بود که سعی شود روابط بهتری با این رژیم برقرار شود.

روشن است که این اتفاق نیفتاد و در سال ۱۹۹۷، نام سازمان مجاهدین خلق به درخواست رژیم ایران و جهت ممانعت با آن، در لیست سازمان‌های تروریستی خارجی گنجانده شد. این تصمیم اشتباه ۱۴ سال است که ادامه یافته است.

من دوستان زیادی در هر دو دولت (دولت کلینتون و دولت بوش) دارم. در دولت بوش این پیشنهاد مجدداً به دولت آمریکا داده شد ولی مطرح شد که (در صورت استمرار لیست‌گذاری) رژیم ایران استفاده عملیاتی از بمب‌های کنار جاده ای در عراق را کنترل خواهد کرد و سربازان و پرسنل زن و مرد آمریکایی امن خواهند بود. این به نظر یک ایده واقعاً خوبی می‌رسید. بنابراین ما نام آنها را تا چند سال دیگر در لیست نگه داشتیم.

اما این امتیاز نیز هیچگاه مثمر ثمر واقع نشد و همانطور که یکی از همکاران من گفت، تعداد بیشتری از آمریکاییها در ماه ژوئن امسال در عراق در مقایسه با سال گذشته بخاطر بمب‌های کنار جاده ای که توسط رژیم ایران تهیه می‌شود کشته شدند.

×××××

همه می‌دانند که بمباران قرارگاه‌های ارتش آزادیبخش ملی ایران در خاک عراق، خلع سلاح مجاهدین، کشتارهای پیاپی در اشرف، خط فروپاشی مجاهدین از طریق تشکیل بریده‌خانه‌ای بنام تیف که به چراگاه اطلاعات و نیروی قدس تبدیل شد و ۱۴ سال حبس خانگی مجاهدین در اشرف و لیبرتی، از عواقب همان لیست‌گذاری کذایی مضافاً بر اشغال عراق در جنگی بیهوده بود که به دنبال تسلیحات کشتار جمعی موهوم در این کشور صورت گرفت. بازی چرکین و جنایتکارانه آخوندها از طریق مأمورانی از قبیل چلبی و حکیم و دیگران. ماحصل کارهای آمریکا، دو دهه زمان اضافی برای آخوندها و افزودن بر عمر دیکتاتوری ولایت فقیه در ایران بود. بخاطر همین بازی خوردنها و پمپاژ اطلاعات غلط و گمراه‌کننده، رئیس‌جمهور آمریکا در بهمن گذشته بی‌تعارف به دستگاه‌های اطلاعاتی این کشور اخطار داد و گفت :

«بنظر میرسد نفرت جامعه اطلاعاتی آمریکا وقتی صحبت از خطرات ایران میشود بی نهایت پاسیو و ساده لوح هستند. آنها اشتباه میکنند!مراقب (رژیم) ایران باشید. شاید جامعه اطلاعاتی باید به مدرسه برگردند!»
رئیس جمهور آمریکا چند روز بعد به صراحت کار جهنمی جامعه اطلاعاتی آمریکا در عراق و این را که گفتند صدام حسین سلاحهای اتمی و سلاح کشتار جمعی دارد، زیر علامت سؤال برد و گفت :
«آنها ما را درگیر جنگی کردند که ما هرگز نباید وارد آن می شدیم . ما هفت تریلیون دلار در خاورمیانه هزینه کرده ایم . ما جانهای زیادی را از دست دادیم....»

ولی نفرت اطلاعات من، اگر آنها بواقع بگویند که ایران یک کودکستان عالی است، من ۱۰۰٪ با آنها مخالف هستم. این حکومتی بیرحم است که بسیاری از مردم را میکشد. وقتی شما از شکنجه و خیلی چیزهای دیگر صحبت میکنید...

رئیس جمهور بوش افراد اطلاعاتی داشت که گفتند صدام حسین در عراق سلاحهای اتمی و سلاحهای کشتار جمعی دارد ، حدس بزنید چه شد؟ آن افراد اطلاعاتی، نمی دانستند که چه کار جهنمی ای کردند. آنها ما را درگیر جنگی کردند که ما هرگز نباید وارد آن می شدیم. ما هفت تریلیون دلار در خاورمیانه هزینه کرده ایم . ما جانهای زیادی را از دست دادیم».

xxxxxx

باید یادآوری کنم که مقاومت ایران در مرداد ۱۳۸۱ یعنی ۷ ماه قبل از شروع جنگ در عراق با افشاء پروژه های اتمی و تسلیحات شیمیایی و میکروبی رژیم پلید آخوندی از جمله تأسیسات پنهانی در نطنز و اراک، بازی رژیم در نسبت دادن تسلیحات کشتار جمعی به عراق و پنهان نمودن آنها در قرارگاههای مجاهدین را برملا کرد. برآستی دیگر هیچ عذر و بهانه ای برای هیچکس باقی نگذاشتیم اما گوش مخاطبان بدهکار نبود. برآستی اگر مشکل تسلیحات کشتار جمعی عراق بود، بدون تردید جنگ جهنمی قابل اجتناب بود.

xxxxxx

در باره جنایتها و بمب گذاریها و اقدامات مجرمانه رژیم در عراق، برای ثبت در سینه تاریخ میگویم که مجاهدین حدود ۵ هزار فقره اقدامات آنرا برملاء کردند و مقامهای آمریکایی را هم در جریان گذاشتند. از لیست ۳۲ هزار مزدور نیروی تروریستی قدس گرفته تا اسامی و مشخصات یک هزار اعضای شبکه های ترور نیروی قدس و وزارت اطلاعات، از لیست بیش از یک صد مقام ارشد که رژیم در ارگان های مختلف عراقی کاشته بود تا بیش از ۵۰۰ نمایندگی ولی فقیه در عراق ، حدود ۷۰ مؤسسه خیریه پوششی و حدود ۱۰ هزار عراقی شناسائی شده برای ترور توسط نیروی قدس سپاه پاسداران شامل خلبانان و نظامیان و اطباء و کارشناسان و روحانیونی که حاضر به تسلیم در برابر این رژیم و ایادی و مزدوران آن نبودند. اما آمریکا عراق را در سینی طلایی به آخوندها داد.

شورای حکومتی دست نشانده عراق در آذر ۱۳۸۲ به ریاست مزدور ملعون عبدالعزیز حکیم خلع سلاح و مصادره اموال و اخراج مجاهدین را مقرر کرد. واشنگتن پست در این باره نوشت :«در یک اقدام تعجب برانگیز که ممکن است تعادل قوای منطقه را به هم بزند، شورای حاکم عراق دیروز رأی داد که گروه پیشتاز مخالف ایرانی را اخراج کرده و اموالش را ضبط نماید. این حکم خواهان اخراج ۳۸۰۰ نفر از اعضای این گروه تا آخر همین ماه (دسامبر ۲۰۰۳) است... این تصمیم علیه مجاهدین خلق، یک دستاورد قابل ملاحظه سیاسی و امنیتی برای (رژیم) ایران است» (۱۰ دسامبر ۲۰۰۳).

در تمام آن سالها رژیم در حالیکه عملاً به اشغال عراق و هموار کردن راهش به سوریه مشغول بود، ایادی و پشتیبانان رژیم، آگاهانه و «به فرموده»، از خطر جنگ با رژیم ایران پرهیز می دادند. در حالیکه تهدید آمریکا و جامعه بین المللی در رابطه با رژیم آخوندها «نه جنگ» بود. جز مجاهدین و مقاومت ایران، کسی حال و رمق جنگ با این رژیم را نداشت.

امروز هم بنا بر ۴ دهه تجربه، تهدید، باز هم کوتاه آمدن و نکوبیدن سر مار به سنگ است. ایران بدون این، آزاد نمی‌شود.
حق مردم ایران برای مقاومت و سرنگونی باید به رسمیت شناخته شود.

xxxxxx

واقعیت این است که آمریکا از زمان لیست‌گذاری و سرکوب مجاهدین و از زمان تبدیل عراق به تضاد اصلی خود در منطقه، با سیاست استمالت در طرف رژیم و بر ضد مجاهدین و جنبش مقاومت ایران، و عامل تعیین‌کننده بقای این رژیم بوده است.

در دیماه گذشته مایک پمپئو در قاهره بدرستی گفت: «کشورها بطور فزاینده درک میکنند که ما باید با آیت‌الله‌ها مقابله کنیم نه اینکه آنها را نوازش کنیم (و زیر بال و پر بگیریم). بر خلاف گذشته، کشورها در طرف ما برای مقابله با این رژیم گرد هم می‌آیند».

وزیر خارجه آمریکا افزود: «خبر خوب و مزده این است که دوران شرم‌آوری که آمریکا برای خودش بوجود آورده بود، همچنین دوران سیاستهایی که موجب اینهمه رنجهای بیهوده شد، بسر آمده است».

xxxxxx

لیست‌گذاری سپاه پاسداران البته آغاز فصل جدید در رابطه آمریکا و لاجرم تمام جامعه بین‌المللی در قبال رژیم آخوندی است. از علائم دوران آماده‌باش سرنگونی است. حاصل سیاسی نظامی کارزار پر رنج و خون علیه این نیروی سرکوبگر در داخل میهن اشغال‌شده و در منطقه و در عرصه بین‌المللی است. باید هم‌چنان که رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت به کرات گفته است، با لیست‌گذاری اطلاعات آخوندها و بیت‌العنکبوت خامنه‌ای تکمیل شود.

سپاه پاسداران نیروی اصلی حفظ رژیم ولایت‌فقیه است. ارگان اصلی قهر و سرکوب نظامی در استبداد عقب مانده دینی است. نسخه و برگردان مادون سرمایه داری گردانهای حفاظتی «اس اس» در آلمان نازی و پیراهن سیاهان فاشیست در ایتالیا که بی‌شبهه محصول بلافصل جنایت و جنگ است. محصول شکار انقلابیون و سرکوب در داخل و جنگ‌افروزی در خارج از مرزهای کشور است. با سلاح سنگین، در جریان جنگ ضدمیهنی شکل گرفته است.

اینها را از سالها پیش گفته و تکرار کرده‌ایم از جمله در ۲۲ بهمن ۱۳۷۷:

«تا این رژیم هست هیچ چیز حل نخواهد شد...»

تا این آخوندها برسر کارند، کمترین کمترین قدمی برای کم شدن از ابعاد چپاول و ابعاد ویرانگری و غارتگری برداشته نخواهد شد.

دشمن کیست؟ دشمن ملت ایران که بوده؟ حاکمیت آخوندی رژیم آخوندی. فرق نمی‌کند این یکی یا آن یکی، چون سگ زرد برادر شغال است. بحث هم بحث یکسال و دو سال و ده سال نیست. اینها دشمن هستند اینها مانع هستند اینها سد تکامل جامعه ایران هستند اینها غاصب حقوق مردم ایران هستند و در راسش غصب حق حاکمیت مردم ایران این دشمن ...

حاکمیت از آن خود مردم ایران است. تا وقتی که دشمن ما بر ما حاکم است، چطور می‌شود انتظار داشت دردهای ملت ما التیام پیدا بکند؟ پید شرفت و توسعه اقتصادی، آنهم توسعه پایدار متصور نیست. بدون برقراری آزادی، بدون حاکمیت مردمی، بدون عدالت بدون دستگاه سالم قضایی، غیرممکن است. این جاست که به سرچشمه سیاسی مشکلات اقتصادی و اجتماعی میرسیم.

همه می‌دانند که فجایع ناشی از حکومت آخوندی، از جمله فاجعه اقتصادی، قبل از هر چیز ناشی از سیاست ارتجاعی و ضدایرانی این رژیم است و بنابراین راه حل آن هم از سرنگونی دشمن ضدبشری و استقرار تنها جایگزین دموکراتیک و میهنی می‌گذرد. این نبردی است ریشه‌دار که به نظر می‌رسد پس از یک قرن، یک قرن بعد از انقلاب مشروطه داریم به مرحله نهایی و تعیین تکلیف نزدیک می‌شویم.

واقعیت این است که این حرامیان ارتجاعی و استعماری، یک قرن است که در وطن ما به کاروان انقلاب و رهایی می‌زنند، قیامها را برسر مردم و پیشتازان انقلاب ویران می‌کنند تا اصولفکر آزادی و استقلال را هم از سر نسلهای بعد خارج بکنند.

تمرکز قدرت سیاسی و مذهبی و مشروعیت ناشی از یک انقلاب عظیم مردمی در خمینی، اضافه بر پشتوانه ارتجاعی اش که به درازای تاریخ ایران و اسلام بود، آن چنان نیروی "مهیب" و مخربی ایجاد کرد که آخوندها نه تنها به سلطه ابد مدت بر مقدرات مردم ایران فکر میکردند، بلکه حتی خواب احیای امپراطوری و خلافت مذهبی در سرتاسر دنیای اسلام را دیده بودند.

دیکتاتوری ولایت فقیه یک دیکتاتوری نظامی-پلیسی است و این سپاه پاسداران ابزار حفظ نظام ولایت فقیه است که این رژیم عمدتاً به آن متکی است. پس سپاه پاسداران ارگان محوری اعمال قهر و سرکوب نظامی است.

اما دینامیسم یعنی موتور محرک سپاه یعنی روح حاکم بر آن صدور ارتجاع و جنگ طلبی مبتنی بر نظریه ولایت جهانشمول است. می دانیم که سپاه پاسداران در هیأت ارتشی با تسلیحات سنگین و دارای نیروی هوایی و دریایی و قدرت موشکی، در همان جریان جنگ ۸ ساله شکل گرفت. و این هم که گفتم ابزار اصلی اعمال قهر نظامی و وسیله اصلی حفظ نظام ولایت فقیه است، دلیلش روشن است چون سپاه در هر کجا در تظاهرات مردم در خیزش شهرها در هر کجا، از مشهد تا قزوین و شیراز و اسلامشهر، همیشه حاضر به یراق است برای سرکوب و اصولاً از طریق قرارگاههای مختلف خود شهرها را کنترل می کند... وقتی که خمینی می گفت: "اگر سپاه نبود، کشور هم نبود" منظورش همین نقش محوری سپاه پاسداران بود در حفظ نظام ولایت، از جهات مختلف».

xxxxxx

آخوند روحانی در تابستان گذشته گفت سپاه از ثمرات جنگ است.

«ما در جنگ ۸ ساله یک نیروی نظامی دوم قوی متولد شد یعنی ۸ سال جنگیدیم. یک نوزادی تبدیل شد به یک جوان برومند قوی. ما یک ارتش داشتیم دیگه تبدیل شد به دو تا ارتش. ما یک ارتش داشتیم یک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هم توی جنگ درست شد».

پس تا سپاه جنگ و جنایت هست، ظلمت آخوندی و ولایت فقیه هم برقرار است. باید با آن جنگید. بدون جنگ ساقط نمی شود. استراتژی ارتش آزادیبخش ملی از آغاز بر همین پایه بنا شده و کانونهای شورشی در همین مسیر هستند. در اطلاعیه شماره ۱۰ گفتیم که:

«پاسخ واقعی و ضروری و حقیقی در جنگ صدبرابر و شورشگری حداکثر، بوده و هست و خواهد بود.

آنقدر که از طریق کانونهای شورشی به ارتش آزادیبخش ملی اعتلاء یابد و سپاه دشمن ضدبشر را در هم بکوبد».

خامنه ای از سالها پیش می گفت «سپاه و بسیج مطمئن ترین حافظ امنیت» رژیم است (۲۸ اسفند ۷۸). جنگ انداختن سپاه پاسداران بر بخش اعظم اقتصاد ایران نیز برای تحکیم موقعیت آن است. آنقدر که یک مقام آمریکایی گفت: «اگر شما در ایران معامله تجاری بکنید دانسته یا ندانسته با سپاه سر و کار دارید» (الیوت آبرامز - ۲۸ اردیبهشت ۹۶).

xxxxxx

از اینجا به روشنی می توان فهمید کسانی که از لیست گذاری پاسداران نگران و دلواپس هستند و بر سر و روی خود می کوبند، بالفعل و به درجات همین رژیم را پاس می دارند و در زمره پاسداران همین رژیم قرار دارند.

آلترناتیو سازان مجازی هم که کاری ندارند چگونه باید سپاه پاسداران را واژگون و رژیم ولایت را سرنگون نمود، سخت به بیراهه می روند. بخصوص که پس از ۴۰ سال و این همه رزم و رنج، تعمیق و تکامل مبارزه رهایی بخش و انکشاف مبارزه طبقاتی (علیه بهره کشی) جایی برای ظهور یک خمینی یا شبه خمینی دیگر باقی نگذاشته و «همه با هم» باسماهی موضوعیت ندارد.

آن کس هم که می خواهد با بازی کلمات، سپاه پاسداران ارتجاع را به خود جذب کند، در واقع و قبل از هر چیز خودش جذب آن شده است. بچه شاه یک نمونه فجیع از همین استراتژی آخوندپسند ارتجاعی است و می گوید:

- « ما نمی توانیم (در ایران) به تغییر دست پیدا کنیم بدون اینکه تلاش کنیم که اکثریت این عناصر (سپاه و بسیج) را در طرف خودمان داشته باشیم».

- «مهمترین مولفه در میان تمامی عوامل، نقشی است که نیروهای نظامی و شبه نظامی می توانند در این گذار ایفا کنند».

- «البته آن کسی که عضوی از سپاه و بسیج است و امروز مثل بقیه ما ناامید شده در آینده نیز جایی دارد، و باید هم داشته باشد. آنها باید جایگاه داشته باشند. آنها باید بدانند که اولین نیروی تضمین کننده امنیت و ثبات آینده ایران در واقع خودشان هستند».

- «آنچه که هزینه تغییر را پایین می آورد و سطح مشخصی از اطمینان برای دوران گذار و تضمینی برای ثبات پس از تغییرات است، به مشارکت گرفتن نیروهای موجود نظامی و انتظامی است و بدون آنها کار ما به مراتب سخت تر خواهد بود» (۲۴ آذر ۹۷).

خط مشی بسیار جالبی است: مهمترین مؤلفه برای تغییر رژیم، سپاه است و بسیج، که در عین حال اولین نیروی تضمین کننده امنیت و ثبات در آینده خواهند بود. هزینه تغییر را هم باید با به مشارکت گرفتن نیروهای موجود نظامی و انتظامی در رژیم ولایت فقیه کاهش داد والا کار سخت می شود!

آیا دو ماهیت و مشی و مقصد بکلی متضاد را می بینید؟ یکی مانند مجاهدین و مقاومت ایران می خواهد پاسداران ولایت را در هم بکوبد و دیگری می خواهد خود را به آن بیاویزد و ضمیمه کند.

در این همدوشی و این همانی با بسیج و سپاه، معلوم نیست که وقتی همینها «اولین نیروی تضمین کننده امنیت و ثبات آینده ایران» هستند، پس چه چیز فرق می کند؟ مشترکات بسیجی- پاسداری بچه شاه را با شیخ فهمیدیم اما وجه افتراق، معلوم نیست. بخصوص که کمی بعد تحریمها را هم دور سرش چرخانده و به سود شیخ گرد می کند و می گوید، با تحریمهای «هوشمند و هدفمند» موافق است.

یعنی که امریکا باید با رجوع به رساله عملیه سیدعلی خامنه ای، تحریمهای ناهوشمند و غیر هدفمند را با باز کردن شیر نفت بشوید و از لیست حذف کند. این همان دم خروسی است که از زیر عبای ملا بیرون زده. شاید هم نوعی همگرایی و اشتراک ماهوی بین «ولایت عهد» و «ولایت فقیه» باشد. آخر شاه «سایه خدا» و ولی فقیه «خلیفه خدا» بر روی زمین است!

بیست و چند روز قبل از کنفرانس ورشو هم به ناگهان بچه شاه با دلواپسی از اینکه مبادا غرب «راه حل نظامی را نیز در کنار راهکارهای دیگر مد نظر قرار دهد» احساس وظیفه کرد تا بقول خودش جامعه بین المللی را آگاه سازی کند که مبادا به ایران حمله کنند بلکه باید به «حمایت تام از جنبشهای آزادیخواهانه مردم ایران» روی بیاورند.

حالا پیدا کنید چه کسی می خواسته به ایران (و در واقع به رژیم ایران) حمله کند؟

همچنین معلوم نیست که «حمایت تام» چه مبلغی و متوجه کدام جنبشهای آزادیخواهانه است؟ و آیا این حمایت «هوشمند و هدفمند است» یا همه آن جنبشهای مفروض را در بر میگیرد؟!

بقول شاملو روزگار غریبی است چون عده ای از سگهای زنجیری نظام در همین وانفسا شاهی شده و با ندامت از آنهمه قول و غزل در باره دمکراسی و آزادی و حقوق بشر، مجیزگو و خواهان «دیکتاتوری مدرن» رضاخانی شده اند.

این بازار مکاره سیاست نیست، بوضوح بازار مکاره وزارت است!

xxxxxx

اما در جبهه خلق و سرنگونی، تحریم رژیم و لیست گذاری سپاهش البته لازم و بسیار مفید و مؤثر است. به شرط اینکه با اتکا به خود، با کانون شورشی و با ارتش آزادی، آنها در خیابانها و شهرهای این میهن، همچون کاوه آهنگر به پتکی سنگین و گرز آتشین بر فرق ضحاک زمان و مزدوران آن ارتقا دهیم. با برانگیختن مردم بجان آمده به برخاستن و

قیام و حق‌طلبی به هر قیمت. چرا که حق و آزادی را به رایگان نمی‌دهند. باید بر اساس ” کس نخارد“ قیمت آن را به تمام و کمال پرداخت و از حلقوم حق ستیزان و آزادی‌گشان بیرون کشید.

در همینجا از هموطنان، از مشتاقان آزادی ایران و یاران شورشگر و اشرف نشان در کشورهای مختلف درخواست می‌کنم اگر قبول افتد، امسال گردهمایی سالانه مقاومت را به موازات اعتراضات مردمان در داخل ایران، به تظاهرات در خیابانها، در شهرها و مکانها در شرایط و زمانی که مناسب می‌بینند، بکشانند. بگذارید امسال سیل خروشان از ایرانیان جاری شود. تجربه‌های دو ماه گذشته در پاریس، ورشو، مونیخ، واشنگتن و لندن گویا و شایان تقدیر است.

در همه جا صدای رسای مردم ایران و ارتش آزادی‌ستان باشید.

ایران را پس می‌گیریم.

زیباترین وطن را دوباره می‌سازیم.

نوروز باز می‌گردد.

عید میلاد پیامبر جاودان آزادی گرامی و مبارک باد

مسعود رجوی

۱۹ فروردین ۱۳۹۸

سالگرد حماسه فروغ اشرف

رود خروشان خون شهیدان در پرتو مهر تابان مقاومت و آزادی ایران ضامن پیروزی محتوم خلق ماست